



از کفر تا اسلام!!

نوشته ضیا (استرالیا)

تردیدی نیست که جریانهای اسلامگرا و اکثریت دین باوران افغانستان؛ رژیم هفت ثور را رژیم کفری و رهبران و صفوف حزب دموکراتیک خلق را کافر!! می خوانند. هرگاه رژیم کودتا را کفری بگویند یا نگویند، گزافه نیست. زیرا رژیم مذکور به زعم مسلمانها بر مبنای اندیشه های وارداتی روسی که از فلسفه مارکسیسم لیننیزم آنهام بر شالوده اندیشه ماتریالیسم دیالکتیک که در تضاد با دین قرار دارد، شکل یافته است. ولیک شخصیت ها که گویا از الف تا یای رهبران و صفوف رژیم کافر (خدا نا باور و قرآن نا باور) باشند، قابل تامل است. به این معنی که صرف نظر از آنهایی که خویشن شان را مترقی و اندیشه شان را مارکسیست شعوری قلمداد میکردند، در کنار آنها انبوهی از خلقی ها و پرچمی ها وجود داشتند که نه تنها از مارکسیسم و لیننیزم بوی نبرده بودند، بلکه دین و آیین اسلامی شان نیز میراثی و تقلید از محیط و خانواده بود. با این برجسپ، گپ خلاص نمی شود، رژیم کودتا را تحت الحمایه و حاکمان آن را دست نشانده نیز تعریف کرده اند....

هرگاه پای اسلام و کفر را از حزب دموکراتیک خلق کنار بگذاریم، تعهدات رژیم هفت ثور و شعار های مبنی بر عدالت، دموکراسی، ترقی، رفاه ... و شگوفایی افغانستان را در نظر بگیریم، همه چیز روشن است که تحفه های رژیم هفت ثور به غیر از قتل، ویرانی، در به دری، رنج و مصیبت و تداوم آن تاکنون برای افغانستان چیز دیگر نیست. به همین دلیل شخصیت ها، گروپها، تنظیم ها و دولتها از مجاهدین تا طالبها ، کرزی و اشرف غنی یکی بعد دیگر به عنوان فرشته های نجات در افغانستان عرض اندام کردند و هر کدام بالنوبه مدینه های فاصله را به مردم افغانستان بشارت ها دادند، اما با نتایج جهمی.

حافظ در غزلی گفته است:

(عیب می جمله بگفتی، هنرش نیز بگو)

هرگز منصفانه نخواهد بود که خوبی ها و برارنده گی های رهبران و سایر افراد مربوط به حزب دموکراتیک خلق را از نظر دور نگه داریم، تا مگر اندکی هم اگر رهبران حزبی (اسلامی، قومی، مذهبی) افغانستان و سپس تکنو کراتها (کرزی و اشرف غنی) یک کمی از سلامت وجدان نزد شان وجود داشته باشد، در مقایسه با عملکرد های خوب خلقی ها و پرچمی ها شرم کنند و خجالت بکشند.

اینک چند صفت شایسته و قابل تمجید رژیم هفت ثور را با مقایسه با زشتی ها و نجاست های حاکمیت های دوران پیر فالبین (صبغت الله مجددی تا حکومت اشرف غنی احمد زی) را به ارز یابی می گیریم:

رژیم خلق و پرچم از آغاز تا انجام، به یک بادار یعنی به اتحاد شوروی اتکا کرده بود. واما؛ رژیمهای از صبغت الله مجددی تا اشرف غنی، خود و کشور ما را به چندین بادار وا گذار کردند.

رژیم هفت ثور از آغاز تا انجام سیاست آشکار و تعریف شده از دوست و دشمن در داخل و سایر کشور ها داشت و هیچگاه ملت و مردم را از پشت به خنجر نزده بود. به قول شاعر:

دلم ز دست دو رنگی دوستان تنگ است فدای مردی دشمن شوم که یک رنگ است

این رژیم ها از صبغت تا اشرف غنی بود و است که هیچ وقت دوست و دشمن را در داخل و یا با سایر کشور ها معیین و مشخص نکردند. هر یک از رژیمهای بعد از رژیم هفت ثور حتی یک ماه سیاست راهبردی روشن با ایران، پاکستان، روسیه از خود نشان ندادند و مضحک تر از همه که کرزی از پول امریکا معاش مامور و عسکر رژیم را می پرداخت از سوی دیگر خود را به امریکا (شیر) معرفی می کرد. همچنان در سیاست داخلی که تا آخرین روز اقتدار مزورانه اش از دشمن خاصه طالبان تعریف مشخص نداد تا آنکه در هفته های اخیر در یکی از مصاحبه هایش با بی بی سی راست و پوست کنده گفت: (طالب به حیث افغان حق دارد تا در گوشه یی از افغانستان ابراز موجودیت سیاسی نماید) . پس به صراحت میتوان گفت: مسئول همه قتل ها و ویرانی های ناشی از خرابکاریهای طالبان طی سیزده سال زمامداری کرزی، خود کرزی میباشد که ملت را از پشت به خنجر زده است.

3 - هیچگاه حاکمیت هفت ثور اسیران دشمن را یکطرفه معامله نکرده بودند. معاملات یک طرفه از حکومت مجاهدین تا مضحکه کرزی و غنی ادامه یافته، چنانچه آیا خیانت بالاتر از آن می شود که کرزی و غنی دروازه های زندان را به روی قاتلین ملت (طالبان) باز کردند و همان طالبان دو باره به قتل و کشتار مردم دست زدند.

4 - حاکمیت هفت ثور به استثنای معامله سیاسی با دشمن که به وسیله شهنواز تنی (شهنواز تنی در سطح رهبری دولت نبود) و یکی دو بار معاملات نا فرجام رژیم کودتا با حکمتیار، صورت گرفت. ولی رژیمهای بعدی ده ها بار ائتلاف های با نتایج خیلی رسوا را به نمایش گذاشتند.

5 - دولت، حکومت و اقتدار خلقی ها و پرچمی ها بانظم و دسپلین بود واز همه مهمتر که آنها در یک سیستم حکومت می کردند. بر خلاف حکومت ها و رژیمهای بعد از آنها همه و همه در گد وگدی، بی نظمی، بی قانونی و انارشسیم اداری گذشت و می گذرد.

6 - فساد اداری و رشوت ستانی در سر تا سر قلمرو حاکمیت 14 ساله رژیم هفت ثور وجود نداشت. این رژیم های تنظیمی ها و خاصه تکنوکراتهاست که بالاترین مقامهای خیانت و فساد را در سطح جهان از آن خود ساختند.

7- رژیم خلق و پرچم با استفاده از آخرین تلاشها علیه کشت، تجارت و اعتیاد مواد مخدر مبارزه می کرد. اما وضع کشت، قاچاق و اعتیاد به مواد مخدر بعد از حکومت داکتر نجیب الله فاجعه آفرید.

8 - بالاترین امتیاز برای خلقی ها و پرچمی ها دسترسی آنها به سر پناه در مکروریانها و یا بورسهای تحصیلی و سفر ها به شوروی و یا سایر کشور های مرتبط به اتحاد شوروی بود. مگر از پیروزی حکومت مجاهدین تا حال به آسمان خراشها در داخل و خارج از کشور، همچنان به پولهای باد آورده در بانکهای داخلی و خارجی و به ثروتهای قارونی سران، رهبران و قوماندانها اگر نگاه شود، موی بر تن رُست می شود.

9 - خلقی ها و پرچمی ها حتی یک بلیست زمین را غصب نکردند. احیاناً اگر مخالفین شان (ضد انقلاب) ترک کشور میکردند، خانه و دارایی های غیر منقول شان تحت تامین قرار می گرفت و ندرتاً به دسترس دفاتر دولتی و یا مراجع عام المنفعه سپرده می

شد. مگر این حاکمان رژیم های جهادی و تکنوکراتهای تحصیل یافته اند که دارایی های عامه و مال مردم را بی خیال غصب کردند و هنوز هم ادامه دارد.

10 – دزدی اموال و دارایی های مردم، باج گیری، پاتک ... در قلمرو رژیم هفت ثور وجود نداشت.

11 – تعدد ازواج در حزب دموکراتیک خلق ممنوع بود، این رهبران تنظیم های اسلامی و قوماندانهای آنها و زور دار های آنهاست که با داشتن دو تا سه زن خمار شان نمی شکند.

12 – شاید هیچ رهبر یا اعضای مقتدر و حتی صفوف حزب دموکراتیک خلق همزمان با داشتن ماموریت رسمی حزبی یا دولتی در داخل افغانستان، زن و فرزندان شان را در خانه های شخصی و یا استجاری در خارج از افغانستان به خاطر امنیت خانواده گی شان قرار نداده بودند. اما این رهبران، دولتمردان و حتی قوماندانان رژیم های اسلامی تا حال است که خانواده های شان در خارج به سر می برند.

13 – رژیم هفت ثور تا آخرین امکان توجه به آن داشت که نه تنها به اعضای حزب شان بلکه به همه مامورین و کارمندان دولت از مواد کوپونی و کوپراتیفی تا ضروریات اولیه مردم را تدارک نماید. اما این حکومت و دولتمردان حکومت کرزی تا اشرف غنی است که میلیاردها دالر پول کمکی جامعه جهانی را که به باز سازی افغانستان و کمک به مردم مظلوم افغانستان تخصیص یافته بود، حیف و میل کردند و می کنند...

بلی هموطن!

این بود چند تا حقایق که چگونگی عملکرد های حاکمان و رهبران و حواریون حکومت های اسلامی و دو حاکم نکتایی پوش یعنی حامد کرزی و اشرف غنی احمد زی را این قلم در مقایسه با حکومت به زعم تنظیمی ها (کفری) رژیم هفت ثور را به بیان گرفت. اگر شما کنجکاو شوید، حقایق بیشتر را جستجو کرده می توانید. ولیک به خاطر داشته باشیم که شرم و حیا از چشم جنایت کاران و خیانت کاران دولتی و تنظیمی پریده است. اما شرم است، به خدا شرم است به ان عده خدایی خدمت گاران در متن جامعه که هنوز هم از خائنین و جنایت کاران دولتی و تنظیمی پشتی بانی می کنند.

لطفاً درین مورد ابراز نظر فرمایید.